

# حق نفرت!

پاسخی به وزیر امور خارجه آمریکا  
بدنبال راه اندازی [تارنماهی](#) فارسی زبان توسط وزارت خارجه آمریکا  
برای مخاطب قرار دادن ایرانیان، کالین پاول وزیر خارجه وقت  
آمریکا اقدام به ارائه پیامی در این تارنما خطاب به ایرانیان  
کرد. این پیام از جوانب مختلفی قابل ارزیابی است. «حق نفرت» عنوان  
متن فارسی یک ارزیابی محمل از این پیام است که در غالب پاسخ به  
ایشان به رشته تحریر درآمده.

داریوش سجادی

پیام وزیر امور خارجه آمریکا به مردم ایران:

به تارنماهی جدید فارسی زبان وزارت امور خارجه ایالات متحده خوش  
آمدید. ما خوشحالیم که فارسی را به سایر تارنماهائی که به  
زبانهای عربی، چینی، روسی، اسپانیایی، و فرانسوی در این سایت  
ارائه می‌شود اضافه کنیم. امیدواریم شما این تارنما را منبع خوبی  
برای اطلاعات درباره ایالات متحده و درباره سیاست آمریکا در قبال  
ایران بیا بید.

اختلافات ما با مردم ایران نیست، بلکه تصمیمات دولت ایران در  
حمایت از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، و انکار  
حقوق بشر به مردم ایران است که مانع بهبودی روابط بین دو کشور می‌  
گردد.

در عمق سیاستهای ایالات متحده این اعتقاد راسخ وجود دارد که مردم  
سراسر جهان باید از آزادی بھرہ مند باشند. ایالات متحده خواهان  
ایرانی دموکراتیک، موفق، و جزئی از ترکیب اقتصاد جهانی است. من  
در انتظار روزی هستم که ایران جایگاه حق خود را در خانواده  
ملتها بدست آورد. فرهنگهای ما می‌توانند نکات بسیاری به یکدیگر  
عرضه کنند.

تصاویر ایرانیانی که بلا فاصله با روشن کردن شمع بیاد قربانیان  
حملات تروریستی به ایالات متحده در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ مراسم همدردی  
بجای آوردن عصیقاً ما را تحت تأثیر قرار داد. همانطوریکه  
پژوهیدن بوش روشن کرده است «دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران  
سابقه ای طولانی دارد. همچنان که مردم ایران به سوی آینده ای پیش

می روند که به معنی آزادی بیشتر و استقبال از عقاید مختلف است، آنها دوست بهتری از ایالات متحده آمریکا نخواهند داشت.» امیدوارم به اینتارنما به منزله نشانه ای از این دوستی بنگرید.

کالین ل. پاول

---

جناب آقای کالین پاول

مقام عالی وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا

پیام جنا بعالی خطاب به مردم ایران برخوردار از نکاتی است که پرداختن به وجودی از آن خالی از بهره نمی باشد.

جنا بعالی در بخشی از فرمایشات خود ضمن اقرار بر وجود اختلافاتی میان دولت متبوعتان با دولت حاکم بر ایران اظهار داشته اید:

اختلافات ما با مردم ایران نیست، بلکه تصمیمات دولت ایران در حمایت از تروریسم، تلاش در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی، و انکار حقوق بشر به مردم ایران است که مانع بهبودی روابط بین دو کشور می گردد.

صرف نظر از صداقت یا عدم صداقت جنا بعالی در ابراز دوستی کشورتان با مردم ایران قطعاً این حق را برای افکار عمومی قائل خواهید بود تا از خاستگاهی دموکراتیک اختلافات مطرح شده جنا بعالی و دولت متبوعتان با جمهوری اسلامی ایران را مورد مناقشه قرار دهند.

جناب آقای پاول

طی تمام مدت روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران دولتهای مستقر در کاخ سفید اعم از جمهوریخواه و دمکرات بالاتفاق جمهوری اسلامی ایران را بدلیل مواضع نفی گرایانه اش نسبت به دولت اسرائیل و حمایت ایشان از خیزش‌های آزادیخواهانه مسلمانان در فلسطین و دیگر نقاط خاور میانه متهم به حمایت از تروریسم و مساعدة نظامی به این خیزشها کرده و می کنید و جسورانه در صدد تحمیل پیوستان ایران به روند صلح اعراب و اسرائیل و بهبود عادی سازی مناسبات تهران با تل آویو بوده و هستید!

اجازه دهید پاسخگوئی به اتهام حمایت نظامی تهران از جنبش‌های ضد اسرائیلی را به دولتمردان جمهوری اسلامی واگذار کرده و قطعاً مطلع هستید که حاکمان ایران صادقانه یا ناصادقانه همواره به انکار این ادعا پرداخته و به صراحت اعلام کرده اند که جنبش‌های آزادیخواهانه را مصدقی از تروریسم نمی‌دانند که در مساعدة رساندن به آنها دچار خجل و شرم‌ساری باشند و مشکل اصلی خود را با شما در استانداردهای دو گانه آمریکا در تعریف از تروریسم می‌دانند.

اما گذشته از مجادلات بین حکومتی شما با دولتمردان ایران آیا این حق را برای افکار بین الملل قائل هستید که باب این پرسش را از جنا بعالی و هیئت حاکمه کاخ سفید مفتوح نمایند که جایگاه عشق و نفرت در پارادایم دموکراسی یعنوان منظومه ای توجیهی - رفتاری کجا قرار دارد؟!

### جناب آقای پاول

بعد از پنجاه سال اعمال سیاستهای نژاد پرستانه و جنایتهای شرم آور دولت اسرائیل نسبت به مسلمانان که متاسفانه کشور متبع شما با داعیه ابرقدرتی و مهد آزادیخواهی به حمایت یکجانبه از این سلوک نامتعارف پرداخته است! اینک ضمن قبول ادعای شما مبنی برآنکه «در عمق سیاستهای ایالات متحده این اعتقاد راسخ وجود دارد که مردم سراسر جهان باید از آزادی بھرہ مند باشند» آیا بنیانهای دمکراسی و آزادی خواهانه کشور شما حق تحفظ نفرت از اسرائیل را برای مسلمانان که ایران نیز بخشی از آنرا تشکیل می‌دهد برسمیت میشناسد؟!

### جناب آقای پاول

متاسفانه میزان حمایت کور و جانبدارانه جمیع دولت‌های ایالات متحده آمریکا از دولت اسرائیل به حدی افزایش یافته که عملاً دستگاه سیاستگذاری کاخ سفید را در یک پروسه تاریخی پنجاه ساله مُبدل به ابزاری در خدمت مطامع و منویات دولت تل آویو کرده است.

### عالیجناب

چنانچه استحضار دارید طی دو دهه گذشته جمعیتی بالغ بر 500 هزار نفر از هموطنان ایرانی اینجانب کشور جنا بعالی را جهت سکونت برگزیده اند و بالغ بر هشتاد درصد این جمعیت به نیت برخورداری از حقوق و مزایای یک شهروند آمریکائی و قرار گرفتن در چتر حمایتی

دولت معظم و ابرقدرت ایالات متحده آمریکا با خلع تابعیت نسبی ،  
تابعیت شهروندی آمریکائی را برگزیده اند!

اکنون آیا جنا بعالی که در پیام خود اذعان داشته اید « دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد» میتوانید این ادعا را داشته باشید که در دفاع از حقوق آن بخش از ایرانیان به تابعیت کشور شما درآمده قائل به تبعیض میان ایشان با دیگر شهروندان آمریکائی نیستید؟

اگرابتدا بتوانید این ادعا را اثبات نمائید آنگاه این اجازه را خواهید داشت که خود را در مقام استیفای حقوق شهروندی ایرانیان در داخل خاک کشورشان قرار دهید.

جناب آقای پاول

سال گذشته یک نفر از همین ایرانیان به تابعیت کشور شما درآمده با اطمینان خاطر از آنکه تابعیت آمریکائیش این ضمانت را به وی داده که در خارج از کشور هر مشکلی برای وی پیش بیاید دولت ایالات متحده به دفاع از وی برخواهد خاست در کسوت رقصنده گری! با اخذ ویزای ایران به تهران رفت و در آنجا به اتهام رامشگری و فساد بازداشت و محکمه شد! اما علی رغم توقع وی و دیگر آمریکائیان ایرانی تبار، دولت متبع جنا بعالی کمترین التفاتی به ایشان به عنوان شهروند آمریکا نکرد! این در حالیست که سه سال پیش که چند شهروند یهودی ایرانی و نه آمریکائی که در یکی از شهرهای ایران به اتهام جاسوسی برای دولت اسرائیل بازداشت و محکمه شدند دولت ایالات متحده در راستای دفاع از این شهروندان ایرانی! آنچنان شهرآشوبی در سطح جهان به راه انداخت که اعجاب همه خردورزان جهان را بهمراه آورد!

جناب آقای پاول!

در نظام بین الملل هر اندازه که یک کشور از قدرت بیشتری برخوردار باشد متقابل<sup>ا</sup> بر میزان مسئولیتهای بین المللی اش نیز افزوده می شود. حداقل توقع بین المللی از ایالات متحده ای که طلایه دار آزادیخواهی و دمکراسی در نظام بین الملل بوده و هست برخورد مسئولانه و عادلانه با بحران خاور میانه می باشد. توقعی که هیچ وقت عملی نشد!

جناب آقای پاول!

رئیس دولت متبوع جنابعالی، آقای جورج بوش بعد از حادثه تاسف بار یازدهم سپتامبر سال 2001 در نیویورک و واشنگتن طی نطق خود در کنگره سوال حاذقانه ای را مطرح کردند مبنی بر این مضمون که:

«امروز مردم آمریکا از ما می پرسند تروریستها چرا از ما متنفرند و نسبت به ما دست به چنین اعمالی می زنند؟»

هر چند طرح این سوال بسیار حاذقانه بود اما متأسفانه پاسخی که رئیس جمهور آمریکا در همان سخنرانی به این پرسش داد برخوردار از کمترین بهره هوشی بود! پرسشی که چنانچه با پاسخی منبعث از واقع بینی و دوراندیشی و درایت مواجه می شد شاید می توانست ترسیم کننده افق امیدوار کننده ای در روند صلح در خاورمیانه شود.

اما متأسفانه رئیس دولت جنابعالی با پاسخ اعجاب آور خود افکار عمومی و بخصوص مسلمانان را مواجه با بهت و حیرتی عمیق از کزاندیشی و ناپختگی رئیس جمهور قدرتمند ترین کشور در جهان پیچیده سیاست کرد:

«آنها دشمن آزادی ما هستند»!!!

عالیجناب!

موجب کمال امتنان و مزید تشکر است تا از قول مسلمانان به رئیس جمهور منتخب تان بفرمائید که مسلمانان کمترین چشمداشتی به آزادی مردم آمریکا نداشته و ندارند . آنچه که منجر به آن شده تا ایالات متحده آمریکا که در پایان جنگ جهانی دوم بعنوان محبوب ترین کشور و سمبول آزادیخواهی نزد قاطبه ملت‌های جهان و مسلمانان شناخته می شد، اینک به این درجه از حضیض نفرت و انزجار نزد مسلمانان برسد که از بطن چنین نفرت کوری رفتارهای تروریستی غیر قابل دفاعی همچون حادثه یازدهم سپتامبر بروز کند، یکجانبه گرائی و اعمال سیاستهای جانبدارانه، ناعادلانه و غیرمعارف کاخ سفید از اعمال و رفتار جنایتکارانه دولت تل آویو بوده است!

جناب آقای پاول

در چنین فضای ناعادلانه و خشونت باری که دولت اسرائیل به پشتونه حمایتهای کاخ سفید برای مسلمانان فراهم کرده آیا این حداقل حق را برای مسلمانان برسمیت نمی خواهید بشناسید که ایشان از این دولت جنایتکار و خونریز متنفر باشند؟! یا آنکه بنیانهای دموکراسی حق

عشق و نفرت را نیز مصادره بمطلوب می کند!  
جناب آقای پاول

آیا جمهوری اسلامی ایران این اجازه را دارد تا در عین برسミت  
شناختن دولت اسرائیل از ایشان متنفر باشد یا آنکه مقتضای  
سیاستهای خاورمیانه ای دولت جنابعالی که بشدت آغشته به نفوذ لابی  
صهیونیسم است در صدد حُقنه عشق ورزیدن تحمیلی به اسرائیل به  
دولتمردان و مردم ایران و چه بسا دیگر مسلمانان است؟!

جناب آقای پاول

برای عشق ورزیدن صدھا دلیل می تواند موجود باشد، اما برای نفرت  
ورزیدن تنها یک دلیل هم کفایت می کند!

اکنون پرسش اینجانب بعنوان یک شهروند ایرانی از جنابعالی که  
سالهای دولت کشور اینجانب را تحت فشار قرار داده تا ایشان را  
متقادع و یا مجبور به عشق ورزیدن به دولت نژاد پرست اسرائیل  
نمایید آنست که:

در جهان آزاد و دمکراتیک و عده داده شده شما چگونه می توان مالک  
احساسات خود بود؟

آیا قرار است در این جهان آزاد، خشم و مهر خود را نیز در ذیل  
تیول مبانی لیبرال دمکراسی آمریکائی قرار داده و مطابق با خواست  
و منافع ایشان اشگ ریخته و لبخند بزنیم؟!

آیا دنیای دمکراسی قرار است مسلمانان را از یگانه حق با قیمانده  
شان هم مسلوب الاختیار کند؟

جناب آقای پاول

شما قطعاً<sup>=</sup> این فراز از سخنان تاریخی و ماندگار نلسون ماندلا را  
بیآد دارید که بعد از سالها تحمل رنج زندان و شکنجه نظام  
آپارتاید آفریقای جنوبی در فردای پیروزی مبارزا تشدیل گفت:

نمی توانم فراموش کنم اما می بخشم. در عین حال اجازه دهید به  
استحضارتان برسانم که ما ایرانیان نیز قادر به این آموزه اخلاقی  
هستیم که «لذتی که در عفو است در انتقام نیست» اما این منافاتی  
با حق دیگر انسان که نبخشیدن و کین ورزیدن هست، نمی باشد.

امروز چنانچه مسلمانان نمی توانند تصویب حقوق مسلم انسانی خود توسط دولت اسرائیل را که مستظره به حمایتهای گسترده دولت شما می باشد، ببخشند و عملاً محروم از لذت عفو بردن از چنین بخشایشی شده اند، نباید بر ایشان خرده گرفت.

جناب آقای پاول

وجود چنین کینه ای را نه بمعنای سیاه دلی و تیره اندیشه مسلمانان تعبیر کنید و نه آنرا به حساب جنگ طلبی و خشونت ورزی مسلمانان بگذارید. مسلمانان برای تحفظ بعض و کینه خود از اسرائیل نه یک دلیل بلکه صدها دلیل را در پیشینه تاریخی خود اندوخته دارند.

جناب آقای پاول

اسلام به ذات خود نه دین جنگ طلبی است و نه داعیه صلح طلبی دارد!

اینجانب [بیش از این نیز](#) در فردای عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر خطاب به سیاستگذاران دنیای غرب تصریح داشته بودم که «اگر آقا یان بوش و بLER تنها یکبار به قرآن مسلمانان رجوع کرده و آیات آنرا تنها روحانی می کردند متوجه می شدند که اسلام دینی صلح طلب نیست! همانطور که دینی جنگ طلب نیز نیست. آنچه که جوهر اسلام را از دیگر ادیان متمایز کرده ذات حق طلب و عدالت خواهانه آنست که در کتاب مرجع ایشان با صریح ترین آیات بر آن تاکید شده است. جوهر حق طلب و عدالت خواه اسلام به مسلمانان این امکان و ظرفیت را داده و می دهد تا چنانچه خود تشخیص دهند برای تحقق حق و عدالت عمیق ترین صلح نامه ها را با دشمنانشان منعقد نمایند همانطور که پیغمبر اسلام در حدیبیه صلح نامه تاریخی خود با دشمنان جامعه نوپای اسلام را امضاء کرد و به همان میزان نیز از آن درجه استعداد و انگیزه برخوردارند تا برای تحقق حق و عدالت تن به جنگ با دشمنانشان بدهند، همانطور که بعد از نقض صلح نامه حدیبیه توسط جبهه کفار، پیغمبر اسلام دست به لشگر کشی گسترده به سوی دشمنان جامعه اسلامی زد»

جناب آقای پاول

سهم و تعهد ایرانیان از عدالت خواهی مستتر در ذات اسلام بواسطه برخورداری از فرهنگ تشویع و اسطوره ظلم ستیزی همچون «حسین بن علی» سومین رهبر مذهبی ایشان بمراتب بیشتر و پیشتر از دیگر فرق اسلامی است. برخورداری از چنین استحکامات دین ورزانه ای است که ایرانیان

را در صف اول مبارزه اعتقادی با ستمگری جمعی مدعی پیروی از آموزه های موسی کلیم الله در سرزمین های اشغالی فلسطین کرده است.

اما نه جنابعالی و نه هیچ شخص و سازمان و تشكل دیگری هرگز حق آنرا ندارد که این پیشاہنگی اعتقادی را به معنای یهود ستیزی ایرانیان تعبیر کند. جامعه مسلمان ایران افتخار آنرا دارد که سالها با صلح و دوستی و مؤانت، همزیستی مسالمت آمیزی با هم وطنان یهودی خود داشته است.

همچنانکه همان فرهنگ و استحکامات دین ورزانه ایرانی اجازه آنرا به هیچکس نمی دهد تا تعین و تعریف کننده نوع و میزان بغض و نفرت ایشان از طالمین و ستمگران باشد.

### جناب آقای پاول

جنابعالی در بخش دیگری از پیامتنان خطاب به ایرانیان و مطابق معمول با استناد به راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر، تلاش دولت ایران در دستیابی به سلاحهای کشتار جمعی را منشاء اختلاف دولت متبوع خود با جمهوری اسلامی ایران ذکر کرده اید.

اکنون جامعه ایرانی حق این پرسش را برای خود محفوظ می دارد که در منطق دولتمردان کاخ سفید برخورداری از سلاح های کشتار جمعی بالذات مذموم است یا بالعرض؟!

صادقاً نه به این پرسش پاسخ دهید که چنانچه رژیم پهلوی که علی الظاهر الگوهای رفتاریش هم پوشی کاملی با آموزه ها و جهتگیریهای سیاسی ایالات متحده را داشت در سال 79 ساقط نمی شد، اکنون جنابعالی و دیگر دولتمردان کاخ سفید اینجنبین دغدغه برخورداری ایران از سلاح های کشتار جمعی را داشتید؟!

طبعاً با توجه به برخورداری تعداد قابل توجهی از کشورهای جهان از سلاح های اتمی از جمله دولت متبوع جنابعالی و دو کشور متحده اسرائیل و پاکستان نمی توانید مدعی مذمت ذاتی برخورداری از سلاح اتمی باشید!

لذا مشکل اصلی جنابعالی و دیگر دولتمردان ایالات متحده را باید در نوع جهتگیری سیاسی نا همسوی جمهوری اسلامی ایران با منویات کاخ سفید در منطقه جستجو کرد.

راستی جمهوری اسلامی در چه صورتی می تواند از حق برخورداری از سلاح

اتمی بهره مند شود؟ هر چند دولتمردان جمهوری اسلامی همواره در مواجهه با اتهام تلاش جهت برخورداری از سلاح اتمی خجولانه تنها مدعی استفاده صرف از انرژی اتمی برای کشور خود شده اند اما اینجانب در مقام یک شهروند این حق را برای کشور خود قائل بوده و هستم تا فارغ از اعمال فشارهای خارجی اهتمام خود را صرف برخورداری از سلاح اتمی همانند دیگر کشورهای جهان بعنوان سلاحی تدافعی و بازدارنده مصروف دارد.

جناب آقای پاول

لشگرکشی اخیر شما به منطقه خاورمیانه و تهاجم نظامی تان به عراق که با دهان کجی و بی اعتمانی گستاخانه ای به سازمان ملل متحد صورت گرفت کند ذهن ترین انسانها را به این نتیجه اجتناب ناپذیر می‌رساند که تنها راه ایمن ماندن در مقابل هژمونی میلیتاریستی ارتش ایالات متحده آمریکا، دافعه نظامی داشتن در حد و اندازه‌های معقول جهت منصرف کردن دولت متبع جنابعالی از طمع ورزی نسبت به منابع موجود در منطقه است.

امیدوارم توقع آنرا نداشته باشد ادعاهای عوام‌فریبانه دستگاه دیپلماسی کاخ سفید مبنی بر انگیزه دمکراسی خواهانه و انساندوستانه ارتش آمریکا در لشگرکشی به عراق مورد قبول جامعه خردورز ایرانی قرار گرفته باشد.

البته جامعه خردورز ایرانی هرگز اصرار و توقع آنرا نداشته و ندارد که دولتمردان کاخ سفید امیال و منویات هژمونیک خود در تهاجم به عراق بمنتظر تسلط بر گلوگاه انرژی اروپا را صراحتاً در افکار عمومی بیان نمایند اما در همان سطح هم از ایشان توقع دارند تا اجازه داشته باشند مهملات تبلیغاً تی دستگاه دیپلماسی کاخ سفید را تنها تحمل شنیداری کنند!

جناب آقای پاول

جنابعالی در پیام خود خبر داده اید که اقدام ایرانیانی که (در داخل ایران) بلاfacile با روشن کردن شمع بیاد قربانیان حملات تروریستی به ایالات متحده در 11 سپتامبر 2001 مراسم همدردی بجای آوردن دولتمردان کاخ سفید را عمیقاً تحت تاثیر قرار داده است.

عالیجناب اینجانب اطمینان دارم که ابراز هم دردی ایرانیان نسبت به قربانیان حملات تروریستی یازدهم سپتامبر از جانب مردم و دولت

آمریکا به حساب انساندوستی و غنا و تمول فرهنگ و تمدن ایرانی گذاشته خواهد شد اما اجازه بدهید در همینجا نیز پاسخ به این سوال را از جنابعالی مطالبه کنم که چرا در حافظه تاریخی مردم ایران چنین رویکرد انساندوستانه ای از کشور شما وجود ندارد؟

مردم ایران آنروزی که دولت مشروع و محبوبشان توسط کودتای عوامل CIA در 28 مرداد 32 ساقط شد، کمترین نشانی از تاثر و استمالت نزد دولت و ملت آمریکا ندیدند!

مردم ایران هرگز بیاد نمی‌آورند، آنروزی که پیکرهم وطنانشان بر فراز آبهای خلیج فارس با شلیک موشک ناو هواپیما بر وینسنس تکه شد، شمعی در شهرهای آمریکا به نشانه ابراز هم دردی روشن شده باشد!

## جناب آقای پاول

متاسفانه ادعای جنابعالی که به نقل از پرزیدنت بوش اظهار داشته اید «دوستی بین مردم آمریکا و مردم ایران سابقه ای طولانی دارد» مبین قلت بصاعت سواد تاریخی رئیس جمهور ایالات متحده لااقل در حوزه مناسبات با ایران است.

صرف نظر از یک مقطع کوتاه که مردم ایران شاهد خدمات صادقاً نه دکتر میلسپو و مورگان شوستر در ایرانه قبل از جنگ جهانی دوم بودند، متاسفانه در تمامی سالهای بعد از جنگ جهانی دوم که دنیا شاهد کنار گذاشتن دکترین مونروئه و ورود آمریکا به عرصه بین الملل شد لااقل حافظه تاریخی مردم ایران کمترین نشانه ای از سوابقات دوستی و یا حسن نیت آمریکا در قبال مسائل مبتلاهه ایران در خود نگنجاند.

اگر تحمیل و حمایت همه جانبه از حکومت دیکتاטורی پهلوی به بهانه مقابله با خطر سرخ و چشم پوشی نسبت به تمامی رفتارهای غیر دمکراتیک و مستبدانه این حکومت را رئیس جمهور ایالات متحده دوستی بین مردم آمریکا و ایران تلقی می‌کنند، باید مبانی دوستی در فرهنگ آمریکائی را مورد مناقشه و بازبینی قرار داد!

راستی! اخذ حق توحش از حکومت پهلوی بواسطه حضور مستشاران و کارگزاران کشور جنابعالی در ایران را ایرانیان باید بمعنای دوستی بین دو کشور تلقی نمایند؟ اظهارات گاسپار واينبرگر مبنی بر وحشی خواندن ملت ایران و لزوم ریشه کن کردن این ملت را چه عنوانی باید نهاد؟

## جناب آقای پاول

در اینجا اجازه می خواهم رازی نه چندان پنهان را به جنا بعالی بگویم!

بدنبال لشگرکشی ارتش ایالات متحده به عراق و ساقط کردن حکومت صدام حسین، اکثر جامعه جوان و بخش هائی از دیگر اقسام جامعه ایرانی در خفا و آشکار این نوید را به خود می دهند که بعد از عراق نوبت ایران است! و آمریکائیها بزودی دروازه های تهران را با سرکوب حکومت جمهوری اسلامی فتح نموده و دروازه های بهشت را به روی ایشان می گشایند!

بر آنان نباید خرد گرفت! جوانند و سطح فهم و تحلیل سیاسی شان به مقتضای سن شان نحیف است.

اما اجازه بدھید ریشه های رواج چنین رویکردی را نیز مطمئن نظر قرار دهیم.

## عالیجناب

متاسفانه اخیراً در کشور اینجانب پدیده رشتی تحت عنوان دختران خیابانی بوجود آمده که محصول مناسبات غلط حاکم در خانواده و عدم توجه و یا عدم امکان توجه به مطالبات جامعه نسوان جوان ایرانی است. فقر مالی در کنار فقر فرهنگی موجود در بخش هائی از خانواده های ایرانی عملاً عرصه را بر دختران موجود در چنین خانواده هائی آنچنان تنگ کرده که ایشان فرار از کانون خانواده را در زندگی نو و تجربه نشده ای در خیابانها ترجیح می دهند!

فراری که هر چند به نیت کسب زندگی بهتر و آزادتر صورت می گیرد اما متاسفانه فرجام آن نهایتاً به فاحشه خانه ختم شده و می شود!

بر همین سیاق مایلم گرایش اخیر برخی از جوانان و اقسام جامعه ایران را که مشتاقانه و در آرزوی کسب دنیائی بهتر حضور نیروهای نظام ارتش ایالات متحده آمریکا را لحظه شماری می کنند! مورد توجه قرار دهم.

متاسفانه جزم اندیشی و انحصار طلبی و بی کفایتی بخش هائی مسلط از حاکمیت ایران نسبت به مطالبات مدنی و شهروندی جامعه ایران و ندادن فرصت به آن بخش از جناح های اصلاح طلب بمنظور تمشیت مطالبات مشروع جامعه در کنار ضعف بنیه مالی حکومت که سیاستهای انقباضی

دولت متبوع جنا بعالی علیه ایران سهم عمدۀ ای در ایجاد چنین مضيقه های اقتصادی را به عهده دارد، اقشار فوق الذکر را به چنین اشتیاق وهم آلودی کشانده!

جناب آقای پاول

ایرانیان مردمی میهمان نوازند، اما میهمان نوازانی خوش استقبال و بد بدرقه!

تجربه تاریخی تحمیل کنده این سنت در فرهنگ ایرانی شده. چرا که در طول تاریخ خود علی رغم میهمان نوازی خوش استقبالانه، ایشان عموماً خود را مواجه با میهمانانی یافته اند که بدیهی ترین آداب میهمان بودن را رعایت نکرده اند.

ایالات متحده آمریکا یکبار در دوران دکتر محمد مصدق این فرصت تاریخی را پیدا کرد تا با تکیه بر حُسن استقبال مردم ایران حُسن نیت خود را با رعایت حق و آداب میهمانی به ایرانیان اثبات نماید.

متاسفانه واشنگتن نشان داد با عدم شناخت فرهنگ ایرانی نمی‌تواند میهمان محترمی برای ایرانیان باشند.

امیدوارم بار دیگر مرتكب اشتباه نشده و با تکیه بر شوق زدگی بخشها ئی از جامعه جوان ایران برای آغوش گشائی و استقبال از حضورتان در ایران پرونده اختلافات ایران و آمریکا ر قطورتر از آنچه اکنون هست، نکنید.

جناب آقای پاول

جميع دولت های ایالات متحده آمریکا طی 24 سالی که از عمر جمهوری اسلامی ایران می گذرد بلاگردان اشتباه استراتژیک دولت وقت واشنگتن در دوران زمامداری دکتر مصدق شده اند.

طبعاً چنانچه در آن ایام دولت وقت آمریکا خویشندارانه تحت اغوای لندن و فوبیای سخ قرار نگرفته بود و با آغوش گشائی از دولت ملی و محبوب مصدق به حمایت از روند دمکراتیزاسیون موجود در کشور می پرداخت، 25 سال بعد از آن تاریخ خود را مواجه با انقلابی بشدت ضد آمریکائی نمی دید که ظفرمندانه موفق شده است با اپیدمی کردن فرهنگ ضدیت با آمریکا دوران طلائی حضور مسلط و بدون دغدغه ایالات متحده در خاورمیانه را مبدل به کابوس وحشت از تروریسم نماید.

جناب آقای پاول

در انتها به جنابعالی توصیه می کنم طی ملاقاتهای خود با رئیس جمهور آمریکا بار دیگر پرسش حاذقانه ایشان در کنگره را یادآور شوید (چرا در خاور میانه از ما نفرت دارند؟) اما بجای ایشان بکوشید خود شخصاً پاسخ به این پرسش را با منطقی واقعیتنا نه بیان نمائید.

با تقدیم احترام

داریوش سجادی

۸۲/اردیبهشت/۲۴

آمریکا